

دکتر منوچهر طبیبیان، ایرج اسدی

بررسی و تحلیل عوامل پراکنده‌رویی در توسعه فضایی مناطق کلان‌شهری

چکیده

رشد پراکنده‌رویی [۱] شهری به‌ویژه در نواحی پیرامونی کلان‌شهرها یکی از مسائل بغرنج در سیاستگذاری توسعه فضایی مناطق کلان‌شهری است. هدف مقاله حاضر بررسی و تحلیل عوامل اقتصادی-اجتماعی و سیاسی مؤثر بر رشد این پدیده در قالب نظریه‌های مختلف رقیب است. به‌نظر می‌رسد تنها با آگاهی و درک از عوامل مولد این پدیده و شناخت اثرات زیست محیطی آن است که می‌توان ابزارهای کارآمد و مناسبی را برای سیاستگذاری توسعه فضایی و هدایت آگاهانه آن اتخاذ کرد. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد عواملی چون ارزان بودن زمین در نواحی پیرامونی شهرها، اعمال کنترل ضعیف بر توسعه در خارج از محدوده شهرداری‌ها، انتخاب و ارجحیت یافتن شیوه زندگی حومه‌ای به‌ویژه در اثر تنزل کیفی مراکز شهری و افزایش مالکیت اتومبیل و پیشرفت تسهیلات حمل و نقل، قصور بازار در برآورد ارزش کامل فضاهای باز و هزینه اجتماعی ازدحام در نواحی پیرامونی و به‌طور خاص وجود تفرق سیاسی و حکومتی تأثیر بزرگی بر شکل‌گیری و تشدید پراکنده‌رویی دارند.

واژه‌های کلیدی: پراکنده‌رویی، حومه‌نشینی، توسعه سرریز، تفرق سیاسی، کنترل رشد

مقایسه دیدگاه طراحان محیط و عامه مردم در مورد هویت شهری و نحوه تقویت آن (مطالعه موردی: منطقه شمیران، شمال تهران)

چکیده

محیط‌های امروز شهری را برنامه‌ریزان، طراحان شهری و معماران طراحی کرده و می‌سازند و گروه‌های مختلف جامعه، بدون هیچ‌گونه سهمی در تصمیمات طراحانه، ناچار به استفاده از این فضاها هستند. اینکه فضاهای امروز شهرهای ما تا چه حد برای استفاده‌کنندگان آن مطلوب است و ادراک مردم از چنین فضاهایی چگونه است، می‌تواند طراحان محیط را یاری دهد که به خلق فضاهای مناسب‌تری اقدام نمایند. بسیاری از مطالعات انجام گرفته در زمینه روانشناسی محیط، حاکی از تفاوت‌های معنادار میان گروه طراحان محیط و سایر گروه‌های اجتماعی از جهت ارزیابی‌شان در مورد بعضی از خصوصیات محیطی می‌باشد. با عنایت به اینکه اکثر مطالعات مذکور در کشورهای دیگر صورت گرفته است، نمی‌توان آن را به کشور ما تعمیم داد و تحقیقات در این زمینه لازم و مفید به نظر می‌رسد. مطالعه حاضر به مقایسه نظرات گروه طراحان محیط و سایر مردم می‌پردازد و موضوع مورد بحث آن دیدگاه این دو گروه در مورد هویت شهری و عناصر اصلی هویت‌بخش آن می‌باشد. این مطالعه در منطقه شمیران در شمال تهران انجام گرفته است. نظرات مردم از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است و دیدگاه متخصصان نیز به صورت مصاحبه بر مبنای سؤالات مشخص مورد پرسش قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاضر، برخلاف نتایج اکثر پژوهش‌های انجام شده در کشورهای غربی، حاکی از وجود اتفاق نظر نسبی و شباهت میان نظرات دو گروه مورد بررسی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: هویت شهری، دیدگاه مردم، دیدگاه متخصصان، روانشناسی محیط

دکتر مجتبی رفیعیان ، دکتر راضیه رضازاده ، مهسا سیفایی ، یزدان احمدوند

سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) موردپژوهی میدان نبوت تهران

چکیده

فضاهای عمومی شهری امروزه، جایگاه بااهمیتی در برنامه‌های توسعه شهری یافته‌اند. این امر ناشی از تأثیر این فضاها در تقویت وجهه فرهنگی- اجتماعی شهر و در نتیجه تولید سرمایه‌های اجتماعی است. از آنجا که ساکنان شهرها در استفاده از این فضاها حقوق برابر دارند، لذا ایجاد فضاهایی مناسب و مطلوب برای تمامی گروه‌های سنی و جنسی و به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر نظیر کودکان، زنان، سالخوردگان و ناتوانان جسمی، بخشی از وظایف برنامه‌های توسعه شهری قلمداد می‌شود. مطالعات گسترده جهانی نشان می‌دهد ایجاد چنین فضاهایی در شهر جدای از ایجاد کنش اجتماعی، از حاشیه‌نشین شدن گروه‌های خاص در استفاده از فضاهای عمومی شهر کاسته و زمینه را جهت تعامل اجتماعی و بازتولید فرهنگ اجتماعی شهر فراهم خواهد کرد. در این مقاله با تأکید بر ضرورت حضور مؤثر گروه‌های اجتماعی خاص، تلاش شده است با بررسی یک فضای عمومی شهری (میدان نبوت) میزان مطلوبیت این فضای شهری، جهت حضور زنان مورد بررسی قرار گیرد. روش بررسی بر طراحی پرسشنامه، مصاحبه عمیق برای تدوین پرسشنامه‌ها و در نهایت تحلیل آماری داده‌ها استوار بوده است. سنجش تأثیرگذاری فضاهای عمومی شهری بر میزان اجتماعی‌شدن و تقویت مشارکت اجتماعی زنان از جمله موارد مورد بررسی در این مقاله است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از نظر زنان اجتماع‌پذیربودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیشترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضای عمومی شهری دارد.

واژه‌های کلیدی:

مطلوبیت سنجی، فضاهای عمومی شهری، گروه‌های خاص اجتماعی، زنان، تهران

طراحی فضای محله‌ای با تکیه بر رویکرد عدالت جنسیتی و چارچوب اصول اخلاقی مراقبتی

چکیده

فضاهای عمومی، مکانی برای ظهور و بروز زندگی شهری و فضاهایی برای انواع فعالیتها هستند. یکی از اهداف مهم طراحی فضاهای شهری، بهبود کیفیت استفاده از فضاها برای استفاده‌کنندگان از طریق تجهیز محیطهای شهری است که فضایی مناسبی برای تمام گروه‌های سنی، شغلی و گروه‌های جنسیتی فراهم می‌آورد. این مطالعه بر عدالت جنسیتی در حضور و استفاده از فضاها تحت عنوان رویکرد مشمولیت در استفاده از فضاهای شهری تأکید دارد. این تحقیق همچنین بر تئوری «اصول اخلاقی مراقبتی» مبتنی است که تجارب استفاده زنان در فضاهای عمومی را مورد بررسی قرار میدهد. هدف این مقاله، بیان اهمیت و لزوم حضور زنان در فضاهای شهری به‌واسطه تعریف فعالیتها و عملکردهای حمایتی در فضاهای عمومی است. از آنجا که فضای فعالیت زنان به‌لحاظ تاریخی در خانه یا در فضای نزدیک خانه بوده است، به نظر میرسد فضاهای باز محله‌ای، به‌خصوص در فرهنگ ایرانی، با زندگی روزانه و نیازهای زنان پیوند بسیار نزدیکی دارند. در انتهای مقاله فاکتورهای مؤثر بر استفاده از فضاهای کالبدی مشخص شده، و توصیه‌هایی به‌عنوان ملاحظات طراحی به‌منظور افزایش حضور زنان در فضاهای باز محله‌ای ارائه می‌شود؛ تا بدین‌ترتیب دستیابی به رویکرد عدالت جنسیتی در استفاده از فضا با توجه به رویکرد اصول اخلاقی مراقبتی، که مورد توجه زنان است، ممکن گردد.

واژه‌های کلیدی: عدالت جنسیتی، زنان، فضای شهری، اصول اخلاقی مراقبتی، طراحی شهری

دکتر مصطفی عباس‌زادگان، شراره قنایزچیان

بررسی پدیدار شناسانه و چیدمان فضایی قلمروها در محلات و واحدهای مسکونی سنتی - تاریخی ایران، (نمونه موردی شهر یزد)

چکیده

سلسله مراتب قلمروهای اجتماعی در کالبد شهر و عناصر معماری تجلی می‌یابد. در فرآیند طراحی معماری و طراحی شهری شناسائی، ارزیابی و الگوپردازی از این قلمروها در ایجاد محیط پایدار اجتماعی اهمیت دارد. در این مقاله سلسله مراتب قلمرویی و تفاوت ارزش فضایی آن در ساختار محلات و معماری واحدهای مسکونی سنتی ایران مطالعه شد. در این مطالعه دو محله فهادان و تل در بافت تاریخی یزد و پنج خانه سنتی جهت مطالعه انتخاب شد. و از دو روش پدیدارشناسی و چیدمان فضا استفاده شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که الگوهای هندسی و موضع‌شناسی فضا در شناسایی سلسله مراتب قلمرویی مؤثر است. همچنین چگونگی تأثیر فضای عمومی و خصوصی بر همگرایی و یا واگرایی افراد در فضاهای شهری و خانه شناسایی شد. اهمیت آستانه‌ها به‌عنوان عناصر مؤثر عبور از یک قلمرو به قلمروی دیگر نیز مشخص گردید. مطالعه چیدمان فضائی، سلسله مراتب قلمروها را با دقت زیادی بصورت گرافیکی و ریاضی تحلیل نمود و ترتیب ارتباط فضاها با یکدیگر که بر منطق اجتماعی منطبق است، نیز با این روش شناسایی گردید. در این مقاله استنتاج شده که به منظور حفظ و خلق سلسله مراتب قلمرویی مطالعه ریخت‌شناسی استخوانبندی شهرها و محلات و عناصر معماری در فرآیند طراحی شهری و معماری الزامی است.

واژه‌های کلیدی: قلمرو، پدیدارشناسی، چیدمان فضا، خانه سنتی و طراحی شهری.

بازاریابی برای توسعه: رویکردی نوین در تحقق توسعه شهری نمونه موردی شهر جدید هشتگرد

چکیده

امروزه تحقق توسعه در طرحهای توسعه شهری ایران، یکی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه است. عدم جمعیت‌پذیری شهرهای جدید مطابق با طرح پیش‌بینی‌شده می‌تواند بر ناسازگاری میان گرایش‌های استفاده‌کنندگان از فضا و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای این شهرها دلالت کند. در این مطالعه، تحقق توسعه به عنوان محصول فرایند برنامه‌ریزی و طراحی مورد توجه قرار گرفته و با تکیه بر نگرش جدیدی به نام بازاریابی توسعه، سعی شده جنبه‌های نوینی در تحقق طرح‌های توسعه معرفی گردد. معیارهای مورد نظر در بازاریابی توسعه، در جهت انطباق هرچه بیشتر گرایش‌های بازار توسعه با اهداف و شاخص‌های پایداری ارائه شده‌اند. با انتخاب شهر جدید هشتگرد به عنوان نمونه موردی، که اخیراً در جذب سرمایه‌گذار خارجی نیز موفق بوده است، معیارها و شاخص‌های بازاریابی توسعه در آن مورد آزمون قرار گرفت و مشخص شد که فعالیت‌های انجام‌شده در جذب سرمایه خارجی برای این شهر بر اساس برنامه‌ریزی‌ای آگاهانه و در قالب طرح توسعه شهر جدید، صورت نگرفته است.

واژه‌های کلیدی: بازاریابی توسعه، تحقق توسعه، شهر جدید هشتگرد، بازاریابی مکان

«تنها اگر سکونت گزیدن را بلد باشیم، می‌توانیم بسازیم.» (مارتین هایدگر)*

دکتر امیر علی نجومیان

تحلیل نشانه‌شناختی خانه‌های تاریخی کاشان

چکیده

خانه‌های تاریخی کاشان مجموعه بی‌نظیری از معماری تاریخی این مرز و بوم است که از جهت معماری، خصوصیات منحصر به فردی دارد. هدف این مقاله تحلیل نشانه‌شناختی (ساختگرا، فرهنگی و پس‌ساختگرا) این خانه‌ها (عامری‌ها، طباطبائی‌ها، بروجردی‌ها، و عباسیان) با توجه به نشانه‌های فرهنگی آنها است. تمرکز اصلی این تحقیق بر بازنمود عناصر فرهنگی مانند محرمیت، امنیت، قدرت، شأن و احترام اجتماعی در نظام نشانه‌های خانه‌ها خواهد بود. به‌ویژه تحلیل این نشانه‌ها در پرتو تعبیر معماری «درونگرا» و «حجاب» در معماری خانه‌های تاریخی کاشان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در بخش بعدی به فرضیه‌ای درباره‌ی دو تقابل اصلی در این خانه‌ها اختصاص دارد: تقابل بیرون و درون و تقابل فرهنگ و طبیعت که هر دو از تقابل‌های مهم نشانه‌شناسی است. فرضیه‌ای که برای هر یک از این تقابل‌ها طرح خواهد شد شاید با نمونه‌های دیگری که تاکنون دیده‌ایم، تفاوت‌های اساسی داشته باشد. مؤلف در این بخش به چند خوانش و اساس (پس‌ساختگرا) از این خانه‌ها خواهد پرداخت. تصویرهای مورد استفاده در این تحقیق را نگارنده گرفته است.

واژه‌های کلیدی: خانه‌های کاشان، نشانه‌شناسی ساختگرا، نشانه‌شناسی فرهنگی، نشانه‌شناسی پس‌ساختگرا

معماری در دنیای چندجهانی

تحلیل رابطه میان معماری و بستر فرهنگی بر اساس دیدگاه تعاملی

چکیده

چندجهانی شدن [۸]، به شرایطی اطلاق می شود که در آن شیوه‌های مختلف مواجهه با موضوع جهانی شدن، در قالب نگرش منطقه‌گرایی و رویکرد جهانی- بومی شدن به رسمیت شناخته می‌شود. در چنین موقعیتی، موضوع شیوه تعامل معماری و فرهنگ، به‌عنوان یکی از جنبه‌های رابطه انسان و محیط مصنوع و با هدف ارتقاء کیفیت آن، چالشی قلمداد می‌گردد که بر حوزه اندیشه و به تبع آن عمل معماری سایه افکنده است. برای مواجهه کارساز با چالش مذکور، بازتعریف دو واژه فرهنگ و معماری و تبیین ساختار تعاملی آن‌ها در عرصه تفکرات جهانی ضروری است. پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از روش تحلیل محتوای معنایی و روش تحلیل منطقی، برخی از بسترهای مؤثر بر تعاملات میان فرهنگی را با نگاهی ژرفانگر، تحلیل نماید. فرض بر این است که اگر گفتمان معمارانه، در عرصه تعاملات جهانی بر اساس فرهنگ‌های منطقه‌ای و بر اساس تبیین چهار واژه «فرهنگ»، «فناوری»، «هویت» و «مکان» گسترش یابد، روابط میان فرهنگی در سایر حوزه‌های علمی و هنری، با بالندگی بیشتر و مبتنی بر اهداف دست یافتنی‌تر، گسترش خواهند یافت.

واژه‌های کلیدی: چندجهانی‌شدن، تعاملات، فرهنگ، معماری، هویت، مکان، فناوری